

الرسالة الغوثية

از محیی الدین عبدالقادر گیلانی

یا محیی الدین بن عربی است؟

بخش اول

اثر: دکتر محسن جهانگیری و دکتر محمد ابراهیم مال میر
عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه رازی

(از ص ۳۱۳ تا ۳۳۰)

چکیده:

رساله غوثیه، رساله‌ای است به طریقه خطاب فہوانی و محادثه مثالی حضرت ربانی با غوث اعظم کہ به زعم عده‌ای از محققان سخت‌کوش صبرنوش به محیی الدین بن عربی نسبت داده شده است. اما در این مقاله ضمن بررسی و نقد دلایل کسانی کہ آن را به ابن عربی نسبت می‌دهند، با بررسی جمیع نسخ خطی و چاپی و مقایسه تحلیلی تطبیقی آنها و نقد محتوایی رساله غوثیه و نیز انطباق مفاد معنایی آن با دیگر آثار محیی الدین عبدالقادر گیلانی معلوم می‌شود کہ این رساله از عبدالقادر گیلانی است و به اعتبار لقب «محیی الدین» آن را به ابن عربی نسبت داده‌اند! در ضمن در این مقاله، چہرہ گمنام حسن گیلانی، مترجم رساله غوثیه شناسانده می‌شود و ترجمه او نیز مورد نقد و بررسی تحلیلی تطبیقی قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: الرسالة الغوثية، محیی الدین عبدالقادر گیلانی، محیی الدین بن عربی، غوث اعظم.

مقدمه:

از آنجائیکه در بعضی از نسخ و از آن جمله در ترجمه حسن گیلانی، الرسالة الغوثیه محیی‌الدین عبدالقادر گیلانی به محیی‌الدین بن عربی نسبت داده شده و مصحح محترم ترجمه مذکور، جناب آقای هروی، اصرار فراوان دارند که با دلایل متعدد اثبات کنند که رساله مذکور بدون هیچ شکی از ابن عربی است! ولی در حقیقت نمی‌توان با آن قطعیت و به طور جزم مدعی شد که رساله مذکور از ابن عربی است و نگارنده سعی می‌کند در این مقاله با ادله کافی و با نقد و تحلیل تطابقی نسخ مختلف این رساله، ضمن رد مدعای جناب آقای هروی، اثبات کند که رساله غوثیه از عبدالقادر گیلانی است نه ابن عربی.

بدیهی است که مراد از این کار چیزی نیست مگر روشن شدن حقیقت و آشکار شدن این واقعیت که به صرف چند انتساب و تشابه در لقب، نمی‌توان به آسانی اثر کسی را به دیگری نسبت داد! قطعاً مصحح سخت‌کوش و محقق صبرنوشی مانند استاد هروی از این بحث استقبال خواهند نمود.

بسم الله الرحمن الرحيم

ارباب معرفت را از طریق نظر جمعی وحدانی در معانی توحیدی برهانی، عرفانی و قرآنی، اعم از «قرآن نازل»، «قرآن صاعد»، «قرآن ناطق»؛ به اثبات رسیده است که ائمه حضرت «خیر الانام» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۵، ص ۳۲۵) و «خیر الوری» (ابن شهر آشوب، ۱۹۵۶م، ج ۳، ص ۷۹) - محمد مصطفی (ص) - یعنی «ائمه اسلام»، «خیر الامة» (احمد بن حنبل، بی‌تا، ص ۲۷۳) و «خیر البریه» (البیهقی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۱۸) اند و در نظر احدیت الجمعی وجودی، حضرت «خیر الاولیاء» (الکوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۸۷) - علی مرتضی (ع) - و الائمه البررة الکرام (ع)، نیز خیر البریه و الانام و خیر الوری و «مصایح الهدی» اند. (الصفار القمی، بی‌تا، ص ۶۳) و بنا بر این تقریر، بدیهی است که نظر به افضلیت علماء از عباد الله، علماء «ائمه احمد (ص)» (مولوی:

امت احمد که هستند از کرام

تا قیامت هست باقی آن طعام

(جلال الدین محمد مولوی، مثنوی معنوی، ج ۱، تصحیح رینولد. ا. نیکلسون، دفتر اول، ص ۲۳۰)

که «امت مرحوم» (مولوی):

امت مرحومه زین رو خواندمان

آن رسول حق و صادق در بیان

(ر.ک: همان، ج ۱، دفتر اول، ص ۱۹۲)

از کرام امم و در دایره ولایت «خیرالاصیاء» (الامام العسکری (ع)، ۱۴۰۹ ق، ص ۶۱) و ائمه الاولیاء واقع اند که اوسع از دوائر ولایت انبیاء سلف می باشد، بالطبع چونان انبیاء، بلکه افضل از انبیاء بنی اسرائیل اند. (از رسول اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: «علماء امتی کأنبیاء بنی اسرائیل» ر.ک: ابن ابی جمهور الاحسایی، هوالی اللثالی، ج ۴، قم، مطبعة السيد الشهداء، ۱۴۰۵ ق، ص ۷۷، ۴۱۰. در روایتی دیگر فرمود: «علماء امتی افضل من انبیاء بنی اسرائیل» ر.ک: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، پیشین، ج ۳۱، ص ۳۰۴). خاصه که علاوه بر نسبت حسبی، از نسبت نسبی نیز برخوردار باشند. یعنی متحقق به جمع قرآنی «سلمان منا اهل البيت» (البرقی، ج ۱، ۱۳۷۰، ص ۱۳۴) و «حسین منی وانا من حسین» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳۳، ص ۷۴؛ ج ۳۹، ص ۲۶۱) شده باشند و در زمره «ورثة الانبیاء» (در روایتی از رسول اکرم (ص) منقول است که «العلماء ورثة الانبیاء» ر.ک: سلیمان بن الأشعث السجستانی، سنن ابی داود، ج ۲، تحقیق و تعلیق سعید محمد اللحام، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰، ص ۱۷۵) حسبی و نسبی قرار گیرند.

این علماء، مصادیق تام «علماء بالله» اند و «عالم بالله»، به زعم حقیر، در حقیقت کسی است که حضرت حق به نعمت عالمی، در عالمی ظلی مجازی عَرَضی او تجلی کرده و آن را فانی کرده و او متصف به صفت عالمی باقی حق شده باشد. یعنی در عدمیت عالمی او، وجود عالمی علیم بالذات، قیام و تجلی کرده باشد و او عالم بالله باشد نه عالم به انانیت و علم حجابی خویش.

بدیهی است که چنین علمایی، جامع جمیع مراتب علوم، اعم از علوم دراستی و وراثتی، مکسوب و موهوب و علوم رسمی ظاهری و علوم شهودی عیانی و الهامی و حیانی لدنی باطنی اند و نائل به مقام محادثه (محادثه، یکی از اصطلاحات عرفانی در مباحث

معرفت‌شناسی است و آن در قاموس عرفا عبارت است از نهایت حال صدیقین که خطاب الهی است با عارف در عالم ملک و شهادت در محل تمکین به نعت افشای اسرار، پس محادته به اعتباری مقام وصل است که حق با نقباء به گفتگو می‌پردازد.

برای اطلاع بیشتر رک: ابونصر السراج الطوسی، اللمع، تحقیق عبدالحلیم محمود، طه عبدالباقی سرور، مهر دارالکتب الحدیث، بغداد، مکتبه العینی، ۱۳۸۰ ق، ص ۴۲۵؛ علی بن عثمان هجویری، کشف المحجوب، چاپ سوم، تصحیح ژوکوفسکی، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۷۳، ص ۴۹۶؛ روزبهان بقلی شیرازی، شرح شطحیات، تصحیح هانری کرین، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۶۰، ص ۵۶۸؛ همان، مشرب الارواح، تصحیح نظیف محرم، استانبول، ۱۹۷۳م، ص ۲۲۶، ۲۸۳؛ محیی الدین بن عربی، اصطلاحات الصوفیه، حیدرآباد دکن، ۱۹۴۸ و بیروت، داراحیاء التراث العربی، ص ۹؛ همان الفتوحات المکیه، پیشین، ج ۲، ص ۱۳۲، ۳۵۳؛ عبدالرزاق کاشانی، اصطلاحات الصوفیه، تحقیق و تعلیق محمد کمال ابراهیم جعفر، الطبعة الثانية، قم، انتشارات بیدار، ۱۳۷۰ ش، ص ۸۱؛ شاه‌نعمت‌الله ولی، رسائل شاه‌نعمت‌الله ولی، به اهتمام جواد نوربخش، ج ۴، چاپ دوم، تهران، خانقاه نعمت‌اللهی، ۱۳۷۵، ص ۶۱؛ محمد اعلی بن علی النہانوی، کشاف اصطلاحات الفنون، تصحیح محمد وجیه و عبدالحق و غلام قادر، به اهتمام الوبس اسپرنگر التیرولی و ولیم ناسولیس الارلندی، استانبول، دار قهرمان للنشر و التوزیع، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۸۲ و مسامره (مسامره)، نیز یکی از اصطلاحات مربوط به معرفت‌شناسی عرفانی است که در قاموس عرفا و متصوفه عبارت است از عتاب اسرار نزد خفی تذکار که مسامره حق است در سر بنده و از محادته کاملتر است چه خطاب حق از عالم اسرار و غیوب است که بر قلب سالک وارد می‌شود بلکه در سر سالک رخ می‌دهد و از تفرد ارواح به خفی مناجات حاصل می‌شود. برای اطلاع بیشتر رک: ابونصر السراج، اللمع، پیشین، ۴۲۶؛ علی بن عثمان هجویری، کشف المحجوب، پیشین، ص ۴۹۶؛ روزبهان بقلی شیرازی، شرح شطحیات، پیشین، ص ۵۶۹؛ همان، مشرب الارواح، پیشین، ص ۱۶۶، محیی الدین بن عربی، اصطلاحات الصوفیه، پیشین، ص ۱۰؛ همان، الفتوحات المکیه، پیشین، ج ۲، ص ۷۷، ۱۳۲؛ ج ۳، ص ۳۵۳؛ ج ۴، ص ۷۹، ۳۸۲، ۳۹۸؛ شهاب الدین سهروردی، عوارف المعارف، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۸۳، ص ۵۲۷؛ عبدالرزاق کاشانی، اصطلاحات الصوفیه، پیشین، ص ۸۳؛ شاه‌نعمت‌الله ولی، رسائل شاه‌نعمت‌الله ولی، پیشین، ج ۴، ص ۶۴؛ سید شریف علی بن محمد الجرجانی، کتاب التعریفات، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۸، ص ۹۲). و فیهوانیت (فیهوانیت، نیز یکی از اصطلاحات در

معرفت‌شناسی صوفیانه و عرفانی است و در قاموس اهل معرفت عبارت است از خطاب حق به طریق مکافحه در عالم مثال چنان‌که شاه‌نعمت‌الله ولی می‌گوید:

فهوانیت خطاب حق است به ما اما به مواجهه چنین می‌فرما

برای اطلاع بیشتر ر.ک: محیی‌الدین بن عربی، اصطلاحات الصوفیه، پیشین، ص ۱۷؛ همان، الفتوحات المکیة، پیشین، ج ۱، ص ۱۸۵، ۲۱۳، ۶۰۹، ۶۱۰، ۷۲۵؛ ج ۲، ص ۱۲۸؛ ج ۳، ص ۵۲۴، ۵۳۷؛ عبدالرزاق کاشانی، اصطلاحات الصوفیه، پیشین، ص ۱۳۷؛ همان، رشح الزلال فی شرح الالفاظ المتداولة بین ارباب الاذواق و الاحوال، تحقیق سبعت عبدالفتاح، مصر، المكتبة الازهرية، التراث، ۱۴۱۵ ق، ص ۱۵۳؛ شاه‌نعمت‌الله ولی، رسائل شاه‌نعمت‌الله ولی، پیشین، ج ۴، ص ۱۳۷؛ سید شریف الجرجانی، کتاب التعریفات، پیشین، ص ۷۳؛ سعاد حکیم، المعجم الصوفی، بیروت، ۱۹۸۱، ص ۴۰۰، ۴۰۲.

و واضح و مدلل است که چنین علمایی، در حقیقت محیی‌الدین و الملة‌اند و غوث ثقلین از تبار حسین (ع) که می‌توان از شمار کثیر آنها (کثرالله امثالهم)، محیی‌الدین، ابو محمد السید عبدالقادر بن ابی صالح عبدالله بن جنکی دوست بن یحیی بن محمد بن داود بن موسی بن عبدالله بن الحسن بن الحسن (صاحب فوات الوفيات، معتقد است نسبت عبدالقادر به حسین بن علی (ع) می‌رسد. ر.ک: محمد بن شاکر الکتبی، فوات الوفيات و الذیل علیها، ج ۲، تحقیق الدكتور احسان عباس، لبنان، دار صادر، ۱۳۹۳ ق، ص ۳۷۳) بن علی بن ابی طالب (ع) الحسنی‌الحسینی‌الگیلانی (گیلانی، الجیلی) (در مورد عبدالقادر گیلانی و سلسله نسب او اختلافات زیادی در اقوال مورخین وجود دارد که جهت رعایت اختصار سعی شده است متقن‌ترین و مستندترین قول تلفیق و نقل شود چراکه متأسفانه مقدور نبود مستندات و دلایل خود را ذکر کنیم زیرا حجم محدود مقاله مجال مقال تفصیلی را نمی‌دهد و در نتیجه بسیاری از مباحث و منابع متعدد را در مباحث مختلف این مقاله و از جمله در این مبحث حذف کرده‌ام! جهت اطلاع بیشتر ر.ک: ابوالفرج عبدالرحمن بن جوزی، المنتظم فی تاریخ الملوك و الامم، ج ۱۰، چاپ اول، حیدرآباد دکن، ۱۳۵۹، ص ۲۱۹؛ احمد بن محمد فصیح خوافی، مجمل فصیحی، به اهتمام محمود فرخ، مشهد، باستان، ۴۱-۱۳۳۹، (ذیل سال ۵۶۱)؛ شمس‌الدین محمد بن احمد بن عثمان الذهبی، سیر اعلام النبلاء، ج ۲۰، لبنان، مؤسسة الرسالة، بی تا، ص ۴۳۹؛ محمد بن یحیی‌التاذفی الحلبي، قلاند الجواهر فی مناقب عبدالقادر، مصر، مطبعة مصطفى البابي الحلبي، ۱۳۷۵ ق؛

محمد صادق قادری، تفریح الخاطر فی مناقب تاج الاولیاء و برهان الاصفیاء الشیخ عبدالقادر الکیلانی، ترجمه عبدالقادر بن محیی الدین الاربلی، مصر، مطبعة مصطفى البابي الحلبي، ۱۳۷۷ ق، محمود محمد الطالبنانی القادری، کتاب پیروگیلان، ناشر مؤلف، ۱۳۳۴؛ یوسف بن اسماعیل النهیانی، جامع کرامات الاولیاء، ج ۲، لبنان، مکتبه الشعبیه، ۱۹۷۴ م، ص ۲۰۴؛ همان، مصر، ۱۳۸۱ ق، ص ۱۹۹؛ ابن اسعد الیافعی، خلاصة المفخر فی اختصار مناقب الشیخ عبدالقادر، الازهر، رقم ۱۲۰۱، ورقه ۹۵ ب؛ عبدالرسول، مناقب قادریه، پاکستان، انجمن ترقی اردو ق ۲ ف ۱۴؛ محمد سالم بواب، السفینه القادریه، بیروت، دمشق، دارالباب، ۱۴۱۲ ق، ص ۹؛ ابن حجر العسقلانی، غبطه الناظر فی ترجمه الشیخ عبدالقادر، ضمیمه مجموع القادریه، بیروت، دمشق، دارالباب، ۱۴۱۲ ق، ص ۳۶-۹) (متوفی ۵۶۱ ه.ق) و محیی الدین ابوبکر محمد بن علی بن محمد بن احمد بن عبدالله بن حاتم الطائی (متوفی ۶۳۸ ه.ق) را نام برد که به عبدالقادر گیلاتی و محیی الدین بن عربی معروفند.

عبدالقادر گیلاتی را، محیی الدین، غوث اعظم، غوث الثقلین، باز الله، بازالاشهب، مرآة الشهود، عالم الربانی، غوث صمدانی، غوث الارواح، غوث الارض، شیخ الشیوخ، شیخ المشایخ، شیخ الثقلین، قطب الاقطاب و... لقب داده اند. (ر.ک: عبدالقادر جیلانی، ۱۹۹۰ م، صص ۳۴، ۱۸۱؛ الطالبنانی القادری، ۱۳۳۴؛ صص ۲، ۳، ۴، ۹، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۷، ۳۵، ۳۸، ۳۹، ۴۴، ۴۶، ۵۲، ۵۴، ۵۹، ۶۰؛ شیخ آغا بزرگ تهرانی، ۱۸۷۵ م، ج ۹، ص ۱۰۱۶؛ ج ۱۰، ص ۳۵۰؛ ج ۱۹، ص ۲۵۵؛ ج ۲۴، ص ۱۵۷). که از آن میان، محیی الدین، عالم الربانی، مرآة الشهود و... ناظر به مقام عالمی او به عنوان یکی از ورثه الانبیاء است که دارای علم الهی ربانی و شهودی عیانی است و احیاگر دین با چنین علمی است. و محیی الدین بن عربی را القاب فراوانی است که از جمله آنها و مؤید مقصود ما القابی است چون: محیی الدین، محیی الملة، محیی الحق، بحر المعارف الالهیه، ترجمان العلوم الرباتیة، شیخ الشیوخ، شیخ الاکبر، شیخ الکبیر، اسم اعظم، قدوة المکاشفین، قطب الموحدین، غوث الاقطاب، العارف الحقانی. و بدیهی است که چنین القابی ناظر به معرفت الهی و علوم ربانی و کشفی و شهودی اوست که به

همین اعتبار در زمرة علماء بالله و ورثة الانبیا است.

چنانکه ملاحظه می شود، این دو عارف بزرگ در القاب محیی الدین و شیخ الشیوخ مشترک اند و در بعضی از القاب قریب به اشتراک. هر یک از این دو عالم ربانی و حکیم صمدانی را تألیفات فراوانی است که ذکر آنها اطناً در کلام است به ویژه که اهل تحقیق با احصائی دقیق، مجموعه مؤلفات محیی الدین بن عربی را معرفی کرده اند که از آن جمله است، بیان شامل و کامل حضرت استادى جناب آقای دکتر جهانگیری، که به حق از افاضل اهل علم و معرفت و تحقیق اند. (ر.ک:

جهانگیری، ۱۳۷۵، صص ۱۳۴-۱۰۸؛ نیز ر.ک: عثمان یحیی، ۱۴۱۳ ق؛ عفی، ۱۹۵۴)

و اما کتب و رسالات محیی الدین عبدالقادر گیلانی، چندان که باید احصاء و معرفی نشده اند و حقیر در ذیل سعی می کند شماری از کتب وی را که در تراجم و سیر و معاجم از آنها نام برده شده است و یا به چاپ رسیده اند، معرفی کند:

۱- آداب السلوک والتواصل الى منازل الملوك. (کحالة، ۱۹۷۵ م. ج ۵، ص ۳۰۷)

۲- الاسم الاعظم. (الشطونفی، ۱۳۳۰ ق؛ التادفی، ۱۳۷۵ ق؛ الجیلانی، ۱۹۹۰ م. ص ۲۴۱ به بعد؛

نسخه خطی، الازهر، (رواق المغاربة / ۱۲۰۱))

۳- اغائة العارفين و غاية منى الواصلين. (کحالة، ۱۴۰۶ ق. ص ۴۰۱)

۴- اوراد الجیلانی. (کحالة، ۱۴۰۶ ق. ص ۴۰۱)

۵- اوراد القادرية. (الجیلانی، ۱۴۱۳ ق)

۶- الايمان. (الشطونفی، ۱۳۳۰ ق؛ الجیلانی، ۱۹۹۰ م. ص ۲۳۱؛ نسخه خطی، الازهر (رواق المغاربة،

رقم ۱۲۰۱))

۷- بشائر الخیرات. (شیخ آقا بزرگ تهرانی، ۱۸۷۵ م. ج ۹، ص ۱۰۱۶)

۸- تحفة المتقين و سبیل العارفين. (البغدای، ۱۴۰۲ ق. ج ۱، ص ۲۵۷)

۹- جلاء النخاطر فی الباطن و الظاهر. (کحالة، ۱۹۷۵ م. ج ۵، ص ۳۰۷)

۱۰- حزب الرجاء و الانتهاء (التجاء). (حاجی خلیفه، ۱۴۰۲ ق. ج ۱، ص ۶۶۲؛ الجیلانی،

۱۴۱۳ ق. ص ۳۴)

- ۱۱- حزب الصغير. (الجيلانى، ۱۴۱۳ ق.، ص ۷۷)
- ۱۲- حزب الكبير. (الجيلانى، ۱۴۱۳ ق.، ص ۳۹؛ كحالة، ۱۴۰۶ ق.، ص ۴۰۱)
- ۱۳- حزب الوسيلة. (الجيلانى، ۱۴۱۳ ق.، ص ۶۹؛ الكيلانى، ۱۴۱۲ ق.، ص ۱۷۳ به بعد)
- ۱۴- الحلاج. (الشطنوفى، ۱۳۳۰ ق؛ الجيلانى، ۱۹۹۰ م.، ص ۲۶۷؛ نسخة خطى، الازهر، (رواق المغاربة (۱۲۰۱/))
- ۱۵- دعاء اوراد الفتحية. (كحالة، ۱۴۰۶ ق.، ص ۴۰۱)
- ۱۶- دعاء البسملة. (كحالة، ۱۴۰۶ ق.، ص ۴۰۱)
- ۱۷- ديوان حضرت غوث الثقلين (الاعظم). (فارسي). (الطالبانى القادري، ۱۳۳۴، ص ۵۹ به بعد)
- ۱۸- ديوان عبدالقادر الجيلانى^۱. (الجيلانى، ۱۹۹۰ م)
- ۱۹- الذكر. (الشطنوفى، ۱۳۳۰ ق.، الجيلانى، ۱۹۹۰ م.، ص ۲۴۹؛ نسخة خطى، الازهر، (رواق المغاربة / (۱۲۰۱/))
- ۲۰- ديوان محيى گيلانى. (شيخ آقا بزرگ تهرانى، ۱۸۷۵ م.، ج ۹، ص ۱۰۱۶)
- ۲۱- الرسالة الغوثية. (سعيد القادري، بي تا؛ نسخة خطى، اسبانيا، (الاسكوريال، رقم ۲/۴۱۷؛ نسخة خطى، بلدية الاسكندرية، رقم ۳۰۲۵ ج / تصوف، ورقم ۳۶۴۷ ج / تصوف؛ الجيلانى، ۱۹۹۰ م.، ص ۲۰۳؛ حاجى خليفة، ۱۴۲۰ ق.، ج ۱، ص ۶۶۲؛ شيخ آقا بزرگ تهرانى، ۱۸۷۵ م.، ج ۲۴، ص ۱۵۷)
- ۲۲- رسالة فى الاسماء العظيمة للطريق الى الله. (كحالة، ۱۴۰۶ ق.، ص ۴۰۱؛ الجيلانى، (۱۴۱۳ ق))
- ۲۳- سرّ الاسرار ومظهر الانوار فيما يحتاج اليه الابرار. (الجيلانى، ۱۹۹۳ م)
- ۲۴- الصلاة الصغرى. (الجيلانى، ۱۴۱۳ ق.، ص ۳۰؛ محمد سالم بواب، ۱۴۱۲ ق.، صص ۱۲۰-۳۷)
- ۲۵- الصلاة الوسطى. (الجيلانى، ۱۴۱۳ ق.، ص ۳۱)
- ۲۶- الصلاة الكبرى وياقوتة الحمراء والدرّة الخضراء. (الجيلانى، ۱۴۱۳ ق.، ص ۳۱)
- ۲۷- عقيدة الباز الاشهب. (النادفى الحلبى، ۱۳۷۵ ق.؛ سعيد القادري، بي تا؛ الجيلانى، ۱۹۹۰ م.، ص ۱۸۱؛ الجيلانى، ۱۴۱۳ ق- ۱۹۹۲ م)

- ٢٨- الغنية لطالبي طريق الحق. (حاجي خليفة، ١٤٠٢ق، ج ٢، ص ١٢١١؛ شيخ آقابزرگ تهراني، ١٨٧٥م، ج ٩، ص ١٠١٦؛ ج ١٦، ص ٦٤؛ الجيلاني، بي تا)
- ٢٩- الغوثية (الخميرية). (الجيلاني، ١٤١٣ق، ص ١٩٥؛ الجيلاني، ١٩٩٠م، ص ١٤٥؛ سعيد القادري، بي تا؛ نسخة خطي، الازهر، (رقم ٧٧٢ / سقا)؛ نسخة خطي، دارالكتب، (رقم ٦٥٥ تصروف / طلعت و رقم ٢٩٤ شعر / تيمور)، نسخة خطي، مكتبة القادرية العامة، بغداد؛ الطالباتي القادري، ١٣٣٤، صص ٥٨-٥١؛ محمد فياض خان، ١٩٨٠م، ص ١٢٢؛ ضياء الله قادري، ١٩٨٥، صص ٢٣٠-٢٢٤)
- ٣٠- الفتح الرباني والفيض الرحمانى. (كحالة، ١٩٧٥م، ج ٥، ص ٣٠٧؛ شيخ آقا بزرگ تهراني، ١٨٧٥م، ج ٩، ص ١٠١٦؛ ج ١٦، ص ٦٥؛ الجيلاني، ١٤٠٣ق-١٩٨٣م؛ همان، ١٩٦٨م؛ همان، ١٣٧٦)
- ٣١- فتوح الغيب^٢. (شيخ آغا بزرگ تهراني، ١٨٧٥م، ج ٩، ص ١٠١٦؛ ج ١٦، ص ٦٥؛ ١٢١؛ ج ٢١، ص ٣٣٨؛ حاجي خليفة، ١٤٠٢ق، ج ٢، ص ١٢٤٠؛ الجيلاني، ١٤١٣ق؛ همان، ١٩٥٦م)
- ٣٢- الفيوضات الربانية. (شيخ آغا بزرگ تهراني، ١٨٧٥م، ج ٩، ص ١٠١٦؛ ج ١٦، ص ٦٥، ٤١٠؛ البغدادي، ١٤٠٢ق-١٩٨٢م؛ سعيد قادري، بي تا)
- ٣٣- كبريت الاحمر (الصلوات). (الجيلاني، ١٤١٣ق، ص ٢٦)
- ٣٤- مثنوى فتوح الحرمين. (شيخ آغا بزرگ تهراني، ١٨٧٥م، ج ١٩، ص ٢٥٥)
- ٣٥- معراج لطيف المعاني. (حاجي خليفة، ١٤٠٢ق، ج ٢، ص ١٧٣٨)
- ٣٦- مكاشفات الغوث. (شيخ آقابزرگ تهراني، ١٨٧٥م، ج ٢٢، صص ١٥٣، ١٥٤)
- ٣٧- ملفوظات قادريه. (شيخ آغا بزرگ تهراني، ١٨٧٥م، ج ٩، ص ١٠١٦)
- ٣٨- ملفوظات گيلاني. (شيخ آغا بزرگ تهراني، ١٨٧٥م، ج ٩، ص ١٠١٦)
- ٣٩- منافع سورة المزمل. (شيخ آغا بزرگ تهراني، ١٨٧٥م، ج ٢٢، ص ٣١٠)
- ٤٠- نورالدين. (شيخ آغا بزرگ تهراني، ١٨٧٥م، ج ٢٤، ص ٣٦٨)
- ٤١- الوصال. (الشطونفي، ١٣٣٠ق؛ نسخة خطي، الازهر، (رواق المغاربة / ١٢٠١)؛ الجيلاني، ١٩٩٠م، ص ٢٥٩)
- ٤٢- وصف القطب. (الشطونفي، ١٣٣٠ق؛ نسخة خطي، الازهر، (رواق المغاربة / ١٢٠١)؛ الجيلاني، ١٩٩٠م، ص ١٩٥)

۴۳- الوصیة. (سعید قادری، بی تا؛ نسخه خطی، (الازهر، رقم ۷۴۱ / حلیم)؛ الجیلانی، ۱۹۹۰ م، ص

(۲۷۵)

۴۴- هادی السلوک. (شیخ آغا بزرگ تهرانی، ۱۸۷۵ م، ج ۲۵، ص ۱۵۲)

۴۵- یواقیت الحکم. (حاجی خلیفه، ۱۴۰۲ ق، ج ۲، ص ۲۰۵۳)

چنانکه ملاحظه می شود دو رساله از مجموعه رسائل عبدالقادر گیلانی، موسوم به «الغوئیة» اند که یکی از آنها «الغوئیة» یا «الخمیریة» است و در انتساب آن به عبدالقادر گیلانی هیچ شکی نیست و بارها اصل عربی و ترجمه های آن به زبان های فارسی و اردو به چاپ رسیده است. هرچند که یکی از نسخ متأخرین، این قصیده معروف و مشهور عبدالقادر گیلانی را به ابراهیم الدسوقی نسبت داده است (نسخه خطی، دیوان الدسوقی، مکتبه بلدیه الاسکدریه، رقم ۶۶۰۷ / تصرف، ورقه ۳ ب، ۱۴) و علی رغم آنکه سعی کرده است بعضی از ابیات را که دقیقاً مربوط به عبدالقادر است، حذف کند، خوشبختانه کلمه «بازا شهب» را در متن قصیده باقی گذاشته و شکی نمی ماند که این قصیده از عبدالقادر گیلانی است نه ابراهیم الدسوقی!

قصیده «الخمیریة» یا «الغوئیة» عبدالقادر گیلانی با مطلع ذیل شروع می شود:

سَقَانِي الْحُبُّ كَأَسَاتِ الْوِضَالِ فَقُلْتُ لِخَمْرَتِي نَحْوِي تَعَالِي

و در ضمن آن می فرماید:

وَمَنْ ذَا فِي الْمَلَا (الرِّجَالِ) أُعْطِيَ مِثَالِي	أَنَا الْبَارِئُ أَشْهَبُ كُلِّ شَيْخٍ
وَأَعْلَامِي عَلَى رُؤُوسِ الْجِبَالِ	...أَنَا الْجِبْلَانِي مُحِبِّي الدِّينِ إِسْمِي
وَأَقْدَامِي عَلَى عُنُقِ الرِّجَالِ	أَنَا الْحَسَنِيُّ وَالْمَخْذَعُ مَقَامِي
وَجَدِّي ضَاجِبِي عَيْنِ الْكَمَالِي	وَعَبْدُ الْقَادِرِ الْمَشْهُورِ إِسْمِي

(الجیلانی، ۱۹۹۰ م، صص ۱۵۵-۱۴۷)

رساله دیگر موسوم به «الرسالة الغوئیة» است که در انتساب آن به عبدالقادر الگیلانی تشکیک کرده اند و این تشکیک به آن خاطر است که همین رساله، به محیی الدین بن عربی نیز نسبت داده شده است و ما در این مقال سعی بر آن داریم که

مؤلف حقیقی آن را معرفی کنیم.

و اما «رسالة الغوثية» رساله‌ای است حاکی از خطابی فهوانی به طریق مکافحه و مخاطبات عالم مثال که از جهتی مانند «المواقف و المخاطبات» النفری است (النفری، بی تا) و از طرفی یاد آور «غربة الغریبة» (سهروردی، ۱۳۷۲، ج ۲، صص ۲۹۷-۲۷۴) و «آواز پر جبرئیل» (سهروردی، ۱۴۱۴ق-۱۳۷۲ش؛ سجادی، ۱۳۷۶ش، صص ۱۶۰-۱۳۷) سهروردی است، البته با این تفاوت که الرسالة الغوثية بیشتر مانند «المواقف و المخاطبات» النفری به طریق مباشرت و مکافحه و خطاب فهوانی است، درحالیکه «غربة الغریبة» و «آواز پر جبرئیل» سهروردی بیشتر به طریق رؤیت کشفی و محادته است. هرچند که در مقدمه یکی از نسخ الغوثية، آن را به طریق الهام القلبي و الكشف المعنوی می‌داند (سعید قادری، بی تا، مقدمه غوثیه). و در مقدمه یکی از نسخ خطی آمده است «هی مخاطبة الغوث نفسه بنفسه» (نسخه خطی، مکتبه الاسکوریال، رقم ۲/۴۱۷، ورق ۱۱ ب) اما همان نسخه‌ای که آن را کشف المعنوی می‌داند، نام دیگر غوثیه را معراجیه معرفی کرده و می‌گوید: «تمت الغوثية و تسمى المعراجية بتوفيق الله تعالى عز سلطانة» (سعید قادری، بی تا، مقدمه غوثیه) و معراج سالک در مراتب عوالم خیال و مثال است و فوق ملک و شهادت و بالطبع، مخاطبات معراجی مثالی، فهوانیت است نه محادته و مسامره. مضاف بر این آنکه در اصطلاحات مکاشفه، محاضره، مشاهده و تجلی، اختلاف است و در مکتب محیی الدین بن عربی مکاشفه برتر از مشاهده است و مربوط به عالم مثال (بن عربی، بی تا، ج ۲، ص ۴۹۶) که در این صورت نیز «الغوثیه» به اعتبار مکاشفه معنوی نیز مربوط به عالم مثال و خطابی فهوانی است.

رساله غوثیه با اختلاف در آغاز آن چنین شروع می‌شود: «قال غوث الاعظم، المستوحش من غير الله، المستأنس بالله... قال الله تعالى: يا غوث الاعظم! قلت: لييك يا رب الغوث. قال:....»

و با این جمله ختم می‌شود که: «يا غوث الاعظم المحروم من الصلاة... هو المحروم من المعراج عندي.»

این رساله در چند نسخه خطی و چاپی به ابن عربی نسبت داده شده است که از آن جمله‌اند:

۱- نسخه خطی، که در کتابخانه الاسکوریال اسپانیا تحت رقم ۲/۴۱۷ موجود است در پنج صفحه از ورق ۱۱ ب تا ۱۶ ا تاریخ نسخ آن ۹۹۹ ق است.

۲- نسخه خطی، (بلدیه الاسکندریه) رقم ۳۷۴۷ ج / تصوف، که مجموعه‌ای است شامل عده‌ای از رسائل صوفیه که از آن جمله است: الرسالة الغوثیه که در فهرست کتابخانه آمده است. اسم ناسخ شناخته شده نیست و شاید محیی الدین بن عربی باشد. رساله الغوثیه در این مجموعه در سه ورق آمده و در پایان آن نوشته شده است، «تمت الغوثیه... فی مقام الاربعین بزوايه النوربخشیه، فی شهر رمضان سنة ۱۰۵۷ هجریه».

۳- نسخه خطی (ظاهریه) رقم ۶۸۲۴. (نیز ر.ک: المالح، ۱۳۹۸ ق، ص ۶۴۳؛ ابن عربی، ۱۳۷۵، ص چهار و چهار)

۴- نسخه موزه ملی پاریس به شماره ۴۸۰۰. (ابن عربی، ۱۳۷۵، ص چهار و چهار)

۵- نسخه موزه بریتانیا به شماره ۵/۷۵۴. (ابن عربی، ۱۳۷۵، ص چهار و چهار)

۶- کتاب‌شناسی عثمان یحیی برای آثار و مؤلفات شیخ اکبر، تحت شماره ۱۹۴. (ابن عربی، ۱۳۷۵، ص چهار و چهار)

۷- رسائل ابن عربی، الرسالة الغوثیه. (ابن عربی، ۱۳۷۵، صص ۴۶-۲۳)

در این مجموعه که ده رساله فارسی شده محیی الدین بن عربی توسط جناب آقای نجیب مایل هروی تصحیح شده و با تعلیقات استوار و مفید به چاپ رسیده است؛ رساله‌ای تحت عنوان الرسالة الغوثیه با ترجمه حسن گیلانی آمده است که به ادعای مترجم، این رساله از محیی الدین بن عربی است چنانکه گوید: «و بعد چنین گوید سرگشته بادیه حیرانی حسن گیلانی که: درویشی التماس نمود که رساله غوثیه شیخ کبیر، شیخ محیی الدین اعرابی را ترجمه نمایم تا درویشانی که معرفت به زبان تازی ندارند، منتفع شوند.» (ابن عربی، ۱۳۷۵، ص ۲۳)

و در پایان می‌گوید: «این است ترجمه رساله‌ای که منسوب است به شیخ کبیر... و تا امروز به نظر این قاصر نرسیده بود.» (ابن عربی، ۱۳۷۵، ص ۴۲)

مصحح فرزانه، ضمن استناد به قول حسن گیلانی، می‌فرماید: «این انتساب در فهرست‌های معاصران نیز تأیید و تأکید شده است و در پاروقی به فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۵۶۱/۱ و فهرست نسخه‌های خطی فارسی استاد احمد منزوی، ۱۰۸۶/۲ ارجاع می‌دهند و پس از معرفی چهار نسخه از متن عربی رساله غوثیه نتیجه می‌گیرند که: «نگارنده این سطور، رساله غوثیه را بدون هیچ شک و تردیدی از مؤلفات ابن عربی می‌دانم و انتساب آن را به جیلانی از گمان‌های متأخران به شمار می‌آورم.» (ابن عربی، ۱۳۷۵، ص ۴۴ و چهار) آنگاه برای این ادعای بدون شک و تردید دو دلیل ذکر می‌کنند:

«نخستین دلیل ما اظهار نظر حسن گیلانی است دایر بر اینکه رساله از ابن عربی می‌باشد... و این خود می‌نمایند که خانقاه‌یانی دیگر نیز بوده‌اند که رساله غوثیه را از شیخ اکبر می‌دانسته‌اند. علاوه بر این جمیع نسخه‌های متن عربی به نام ابن عربی شناخته شده است؟! و تحقیقات ابن عربی‌شناسان مانند عثمان یحیی، هم مؤید همین نکته است.» (ابن عربی، ۱۳۷۵، ص ۴۴ و چهار)

سپس در بیان دلیل اشتباه انتساب رساله غوثیه به محیی‌الدین عبدالقادر گیلانی می‌فرماید: «یکی اینکه لقب گیلانی و ابن عربی «محیی‌الدین» است و احتمالاً بعضی از قادریان متأخر شبه قاره هند و پاکستان بر اثر عدم دقت، گویا نسخه‌ای از این رساله را در دست داشته‌اند که فقط لقب شیخ اکبر یعنی محیی‌الدین را می‌نموده و آنان با توجه به همین لقب رساله مورد بحث را به نام نگاشته‌ای از نگاشته‌های گیلانی ترجمه و شرح کرده‌اند...؟! دو دیگر اینکه عبدالقادر گیلانی قصیده‌ای بلند دارد به عربی به نام غوثیه که دقایقی عرفانی را در آن عنوان کرده و بارها به فارسی و اردو ترجمه و شرح شده است...؟!»

و در نهایت می‌فرماید: «دلیلی استوارتر در اینکه غوثیه از شیخ اکبر است،

موضوع این رساله است. موضوعات و مفاهیم این رساله دقیقاً همانند و شبیه به موضوعاتی است که ابن عربی در فتوحات و فصوص و دیگر مؤلفات خود عنوان کرده است، مانند: ظهور بی مثل حق در انسان، مکانیت حق، سفر باطن، اتحاد، حجاب بودن محبت میان محب و محبوب، رقص ارواح در قالب‌ها، رؤیت، حقیقت فقر، کارکرد عقل و دل و نفس و روح، بندگی کردن بی مراد، اینکه صاحب رساله خود ولی است، حجاب اهل طاعت، معراج سالک، تشبیه و تنزیه و دیگر مفاهیمی که رایحهٔ محیی‌الدینی دارد....» (ابن عربی، ۱۳۷۵، صص ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰)

نسخ خطی و چاپی (الرسالة الغوثية) عبد القادر گیلانی

هر چند قبلاً بعضی از نسخ «الرسالة الغوثية» معرفی شد، اما در پایان این مقال چند نسخهٔ خطی و چاپی و شروح دیگر آن را که بیانگر انتساب آن به عبدالقادر گیلانی است معرفی می‌کنیم:

۱- نسخهٔ خطی کتابخانه (بلدیه الاسکندریه) در مجموعه‌ای به شماره ۳۰۲۵ ج / تصوف که شامل رسالهٔ غوثیهٔ عبدالقادر گیلانی و الحکم الحاتمیه (حکم) ابن عربی، جمع الاسرار فی منع الاشرار عن الطعن فی الصوفیه الاخیار النابلسی و رسالهٔ فی التصوف البلیسانی است که به قلم الفقیه محمد وفا در سال ۱۳۰۱ ق کتابت شده است.

۲- اسماعیل بن محمد بن سعید قادری کیلانی، الفیوضات الرباتیة فی المآثر و الاوراد القادریة.

۳- العونیه فی شرح الغوثیه الجیلانیة، نسخهٔ خطی در سلیمانیه - استانبول.

۴- فیض الله ابوبی، ترجمهٔ الرسالة الغوثیه للکیلانی الشهیر بغوث الاعظم، استانبول، دار الطباعة العامرة، ۱۲۶۶ ق (ترکی).

۵- صدیقی قادری، مکالمات غوث اعظم، ترجمه و شرح رسالهٔ غوثیه. (منزوی،

- ۶- عبدالرزاق بن عبدالقادر گیلانی، ترجمه رساله غوثیه. (منزوی، ۱۳۶۳، جلد سوم، ص ۲۱-۱۷۱۸)
- ۷- عبدالکریم انصاری چشتی و عبدالواحد، الهامات، شروح رساله غوثیه عبدالقادر گیلانی. (منزوی، ۱۳۶۳، جلد سوم، ص ۲۱-۱۷۱۸)
- ۸- محیی‌الدین عبدالقادر گیلانی، مکاشفات الغوث، این کتاب دقیقاً همان رساله غوثیه است که چنین شروع می‌شود: «الحمد لله كاشف الغمّة و الصلاة على نبيه محمد خير البرية...» (شیخ آغا بزرگ تهرانی، ۱۸۷۵ م، ج ۲۲، ص ۱۵۳)
- ۹- عبدالله بن الحسین بن علی الحسینی العجلانی المکی الهندی، نشأة العشق، این کتاب رساله‌ای است عرفانی در عشق که رساله الغوث الاعظم را شرح کرده است و نسخه‌ای از آن در کتابخانه بنگاله موجود است و در بعضی نسخ به نام نشاط عشق و نشاط العشاق ذکر شده است. (آغا بزرگ تهرانی، ۱۸۷۵ م، ج ۲۴، ص ۱۵۷)
- ۱۰- عبدالقادر الجیلانی، دیوان عبدالقادر الجیلانی، پیشین، صص ۲۳۰-۲۰۶.

نتیجه:

با توجه به آنچه مذکور افتاد نتیجه می‌گیریم که محیی‌الدین عبدالقادر گیلانی که یکی از علمای بالله و اهل محادثه و فهوائیت مع الله می‌باشد، دارای تألیفات فراوانی است که به قدر میسور و با تلاش فراوان بیشترین آنها معرفی گردید و چنانکه ملاحظه شد از آن جمله است الرسالة الغوثیه که در بعضی از نسخ آن را به ابن عربی نسبت داده اند اما باتوجه به مطالب مورد بحث بی‌شک از نظر نسخه‌شناسی، انتساب رساله غوثیه به عبدالقادر گیلانی از قوت و تواتر بیشتری برخوردار است و قطعاً نقد تحلیلی و تطابقی نسخ مذکور و از جمله ترجمه رساله غوثیه که در ادامه این مقال خواهد آمد، این مدعا به طور یقینی به اثبات خواهد رسید.

منابع:

- ١- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن، المتظم فی تاریخ الملوك و الامم، چاپ اول، حیدرآباد دکن، ١٣٥٩.
- ٢- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، نجف، المطبعة الحیدریه، ١٩٥٦ م.
- ٣- ابن عربی، محیی الدین، رسائل ابن عربی، تصحیح نجیب مایل هروی، انتشارات مولی، ١٣٧٥-١٤١٧ ق.
- ٤- _____ الفتوحات المکیة، بیروت، دارصادر، بی تا.
- ٥- _____ اصطلاحات الصوفیه، حیدرآباد دکن، ١٩٤٨ و بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ٦- احمد بن حنبل، مسند احمد، بیروت، دارالصادر.
- ٧- الاحسایی، ابن ابی جمهور، عوالی اللثالی، قم، مطبعة السید الشهداء، ١٤٠٥ ق.
- ٨- الامام العسکری(ع)، تفسیر الامام العسکری(ع)، قم، مدرسة الامام المهدي(ع)، ١٤٠٩ ق.
- ٩- البرقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ١٣٧٠.
- ١٠- البغدادی، اسماعیل باشا، ایضاح المکنون فی الذیل علی کشف الظنون... لبنان، دارالفکر، ١٤٠٢ ق.
- ١١- _____، هدیة العارفین (اسماء المؤلفین و آثار المصنفین ...)، دارالفکر، ١٤٠٢ ق.
- ١٢- البیهقی، احمد بن الحسین، السنن الکبری، بیروت، دارالفکر.
- ١٣- النادفی الحلبي، قلائد الجواهر فی مناقب عبدالقادر، مصر، مطبعة مصطفى البابي الحلبي، ١٣٧٥ ق.
- ١٤- التهانوی، محمد اعلی بن علی، کشاف اصطلاحات الفنون، استانبول، دار قهرمان للنشر و التوزیع، ١٤٠٤ ق.
- ١٥- الجرجانی، سید شریف علی بن محمد، کتاب التعریفات، چاپ سوم، تهران، ناصر خسرو، ١٣٤٨.
- ١٦- الجیلانی، عبدالقادر، فتوح الغیب، مصر، مکتبة مصطفى البابي الحلبي ١٩٥٦.
- ١٧- _____ فتوح الغیب، الطبعة الثانية، محمد سالم بواب، دمشق، دارالالباب، ١٤١٣ ق.
- ١٨- _____ الفتح الرتانی و الفیض الرحمانی، الطبعة الاولى، بیروت، دارالکتب العلمیة، ١٤٠٣ ق.
- ١٩- _____ الفتح الرتانی و الفیض الرحمانی، مصر، مطبعة مصطفى البابي الحلبي، ١٩٤٨ م.
- ٢٠- _____ الفتح الرتانی و الفیض الرحمانی، ترجمة محمد جعفر مهدوی، نشر احسان، ١٣٧٦.
- ٢١- _____ الطريق الى الله، بیروت، دارالسنابل، ١٤١٣ ق.
- ٢٢- _____ دیوان عبدالقادر جیلانی، تحقیق دکتور یوسف زیدان، مصر، ١٩٩٠ م.
- ٢٣- _____ الغنیه لطالبی طریق الحق، دمشق، دارالالباب، بی تا.
- ٢٤- _____ سر الاسرار و مظهر الانوار...، دمشق، دار السنابل، ١٩٩٣ م - ١٤١٣ ق.
- ٢٥- _____ اوراد القادرية، ضبطه و وثقه محمد سالم بواب، دمشق، دارالالباب، ١٤١٣ ق.
- ٢٦- الذهبی، شمس الدین محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلاء، لبنان، مؤسسة الرسالة، بی تا؛
- ٢٧- السجستانی، سلیمان بن الأشعث، سنن ابی داود، تحقیق و تعلق سعید محمد اللحام، دارالفکر، ١٤١٠.
- ٢٨- الشطنوفی، نور الدین، بهجة الاسرار و معدن الانوار، قاهرة، دارالکتب العربیة، ١٣٣٠ ق؛
- ٢٩- الصفار القمی، الحسن، بصائر الدرجات، الطبعة الثانية، مطبعة شركة چاپ کتاب.
- ٣٠- الطالپانی القادری، محمود، کتاب پیر گیلان، ناشر مؤلف، ١٣٣٤.
- ٣١- القادری، حاج سعید، الفیوض الرتانیة فی المأثر و الاوراد القادرية، قاهره مطبعة المشهد الحسيني، بی تا.
- ٣٢- الکتبی، محمد بن شاکر، فوات الوفيات و الذیل علیها، تحقیق احسان عباس، لبنان، دار صادر، ١٣٩٣ ق.

- ٣٣- الكيلاني، محمد امين، شرح حزب الوسيلة، (ضميمة سفينة القادرية)، بيروت، دمشق، دارالباب، ١٤١٢ق.
- ٣٤- التَّفَرى، المواقف و المخاطبات، تحقيق آربرى، مصر، مكتبة الكليات الازهرية، بى تا.
- ٣٥- النهباني، يوسف بن اسماعيل، جامع كرامات الاولياء، لبنان، مكتبة الشعبية، ١٩٧٤ م.
- ٣٦- اليافعى، ابن اسعد، خلاصة المفاخر فى اختصار مناقب الشيخ عبدالقادر، الازهر، رقم ١٢٠١.
- ٣٧- بقلى شيرازى، روزبهان، شرح شطحيات، تصحيح هانرى كربين، تهران، كتابخانه طهورى، ١٣٦٠.
- ٣٨- _____ مشرب الارواح، تصحيح نظيف محرم، استانبول، ١٩٧٣ م.
- ٣٩- بواب، محمد سالم، السفينة القادرية، بيروت، دمشق، دارالباب، ١٤١٢ق.
- ٤٠- جهانگيرى، محسن، محيى الدين بن عربى، چاپ چهارم، دانشگاه تهران، ١٣٧٥.
- ٤١- حاجى خليفة، كشف الظنون عن اسامى الكتب و الفنون، لبنان، دارالفكر، ١٤٠٢ق.
- ٤٢- سجادى، سيد جعفر، شرح رسائل فارسى سهروردى، چاپ اول، سازمان تبليغات اسلامى، ١٣٧٦ ش.
- ٤٣- سزاج، ابونصر، اللمع، تحقيق عبدالحليم محمود، طه عبدالباقي سرور، مصر، دارالكتب الحديث، ١٣٨٠ق.
- ٤٤- سعاد حكيم، المعجم الصوفى، بيروت، ١٩٨١.
- ٤٥- سهروردى، شهاب الدين يحيى (شيخ اشراق)، قصة الغربة الغربية، تصحيح هنرى كربين، تهران، ١٣٧٢.
- ٤٦- _____ آواز پر جبرئيل، چاپ اول، انتشارات مولى، ١٣٧٢ ش.
- ٤٧- سهروردى، شهاب الدين، هوارف المعارف، بيروت، دارالكتاب العربى، ١٩٨٣.
- ٤٨- شاهنعمت الله ولى، رسائل شاهنعمت الله ولى، چاپ دوم، تهران، خانقاه نعمت اللهى، ١٣٧٥.
- ٤٩- شيخ آغا بزرگ تهرانى، الذريعة الى تصانيف الشيعة، لكهنو، ١٨٧٥ م و ١٨٩٣ م.
- ٥٠- عبدالرسول، مناقب قادريه، باكستان، انجمن ترقى اردو ٢ ق ف ١٤؛
- ٥١- عثمان يحيى، مؤلفات ابن عربى، ترجمه احمد محمد الطيب، دارالهداية، ١٤١٣ق؛
- ٥٢- عفيفى، ابوالعلاء، فهرست مؤلفات ابن عربى، مجله كليات آداب، مصر، دانشگاه اسکندريه، ١٩٥٤.
- ٥٣- فصيح خوافى، احمد بن محمد، مجمل فصيحى، به اهتمام محمود فرخ، مشهد، باستان، ١٣٣٩-٤١.
- ٥٤- فياض خان، محمد، پيران پير، به اهتمام پير مير احمد شاه صاحب بخارى نقشبندى، لاهور، ١٩٨٠ م.
- ٥٥- قادرى، ابوالحامد محمد ضياء الله، سيرت فوٹ الثقلين، سيالكوت، ١٩٨٥.
- ٥٦- قادرى، محمد صادق، تفريح الخاطر فى مناقب تاج الاولياء و برهان الاصفياء الشيخ عبدالقادر الكيلانى، ترجمه عبدالقادر بن محيى الدين الاربلى، مصر، مطبعة مصطفى البابى الحلبي، ١٣٧٧ق.
- ٥٧- كاشانى، عبدالرزاق، اصطلاحات الصوفيه، تحقيق و تعليق محمد كمال، قم، انتشارات بيدار، ١٣٧٠ ش.
- ٥٨- _____ رشح الزلال فى شرح الالفاظ المتداوله بين ارباب الاذواق و الاحوال، مصر، ١٤١٥ق.
- ٥٩- كحالة، عمر رضا، معجم المؤلفين (تراجم مصنفى الكتب العربية)، لبنان، مكتبة المنشى، ١٩٧٥ م - ١٣٧٦ق.
- ٦٠- _____ المستدرک على معجم المؤلفين، لبنان، مؤسسة الرسالة، ١٤٠٦ق.
- ٦١- كوفى، فرات بن ابراهيم، تفسير فوات الكوفى، الطبعة الاولى، طهران - ايران، ١٤١٠ق.
- ٦٢- مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، الطبعة الثانية، بيروت، مؤسسة الوفاء، ١٤٠٣.
- ٦٣- منزوى، احمد، فهرست مشترك نسخه‌هاى خطى فارسى باكستان، اسلام آباد، ١٣٦٣.

- ۶۴- مولوی، جلال الدین محمد، مثنوی معنوی، تصحیح رینولد. ا. نیکلسون.
۶۵- نسخه خطی، اسپانیا، (الاسکوربال، رقم ۲/۴۱۷).
۶۶- نسخه خطی، الازهر، رقم ۷۷۲ / خصوصیه، سقا...
۶۷- نسخه خطی، الازهر (رواق المغاربة، رقم ۱۲۰۱).
۶۸- نسخه خطی، الازهر، مجموعه ۷۴۱ / خصوصیه / حلیم.
۶۹- نسخه خطی، المكتبة (التیموریة)، مصر، دارالکتب المصریه، رقم ۲۹۴ / شعر.
۷۰- نسخه خطی، بلدية الاسكندرية، رقم ۳۰۲۵ ج / تصوف، و رقم ۳۶۴۷ ج / تصوف.
۷۱- نسخه خطی، دارالکتب، (رقم ۶۵۵ تصوف / طلعت و رقم ۲۹۴ شعر / تیمور).
۷۲- نسخه خطی، مکتبه (طلعت)، مصر، دارالکتب المصریه، رقم ۶۵۵ / تصوف.
۷۳- نسخه خطی، مکتبه القادرية العامة، بغداد.
۷۴- هجویری، علی بن عثمان، کشف المحجوب، چاپ سوم، تصحیح ژوکوفسکی، طهوری، ۱۳۷۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی